

## انتصابات اطلاع رسانی دولت از نگاه فعالان رسانه‌ای

الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت شد

فیاض زاهد  
استاد دانشگاه

حضور شخصیت قابل احترام، اصلاح طلب و سیاستمدار چارچوب‌داری مثل آقای حضرتی به عنوان رئیس شورای اطلاع رسانی دولت اتفاق مبارکی است. او از قدیم و در مجلس همکار آقای پزشکیان بوده و به دلیل خاستگاه خانوادگی شان و تعلق به آذربایجان ارتباط قوی با نمایندگان شمال غرب کشور دارد. بخش مهمی از رای دهندگان به آقای پزشکیان در مرحله اول و دوم انتخابات علاوه بر دیگر مناطق ایران، مربوط به این مناطق بودند. انتصاب خانم فاطمه مهاجرانی به عنوان سخنگو، محقق کننده شعار رئیس جمهور در تحقق اعتلا و دادن سپهر مثبت به بانوان شریف ایران است.

پیام تیرانداز  
مدیرعامل خبرگزاری فارس

آقای حضرتی از روزنامه نگاران با سابقه و با توجه به مشی دولت، انتخابی مناسب است. خانم مهاجرانی را کمتر می شناسم و امیدوارم در جایگاه سخنگویی دولت موفق باشند. مهم ترین مسئله امروز برای این دو جایگاه یعنی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت و سخنگو، این است که روایت واقعی دولت منعکس شود. آنچه که آقای پزشکیان به آن اهتمام دارد، چه از طریق هماهنگی رسانه‌های دولت و چه از طریق سخنگو انعکاس پیدا کند تا دولت دچار تفاوت و دوگانگی تصویر بازنمایی نشده در افکار عمومی نباشد. خیلی وقت‌ها شاهد این هستیم که مسئول مربوطه با دستگاهی یک نگاه دارد و با تصویری که از آن در رسانه‌هاست، تفاوت دارد.

محمد جواد روح  
سر دبیر روزنامه هم‌میهن

اورا مدیری می دانم که کار دشوار تعامل سه جانبه با حاکمیت، نخبگان سیاسی و فرهنگی و افکار عمومی را می داند و می شناسد و به همین جهت نیز، توانسته با همه فرازونشیبها و بحران‌ها و کشاکش‌های سیاسی و امنیتی و نیز مشکلات اقتصادی، طی مدت بیش از ۲۲ سال روزنامه اعتماد را اسرپا و تاثیرگذار نگه دارد. این توان تعامل سه جانبه حضرتی است که می تواند به کار دولت پزشکیان هم بیاید.

علی اصغر شفیعیان  
مدیر سایت انصاف نیوز

معتقدم که این انتخاب‌ها و انتصابات هم‌دوره‌نگام بود و فرصت‌هایی را از دست دادیم. اتفاقات مهمی این روزها افتاد و هنوز رسانه‌های دولت تکلیف‌شان معلوم نیست. انتخاب فردی برای ریاست جای مهمی مثل شورای اطلاع رسانی هم تاخیر انجام شد. هر سه انتخاب رئیس شورای اطلاع رسانی دولت، سخنگو و معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور که چند روز قبل اتفاق افتاد، انتخاب‌های شایسته‌ای هستند. این جایگاه‌ها هر چند اهمیت دارند و انسان‌های شایسته‌ای در آن قرار گرفتند، اگر نتوانند ساختارهای تحت مدیریت خود را متحول کنند، مشکلی که دولت‌های قبلی در حوزه رسانه داشتند را خواهند داشت.



مقام معظم رهبری در دیدار با رهبر ملی ترکمنستان تأکید کردند:

### اولویت بالای گسترش روابط با ترکمنستان



### توهم تخصیص عادلانه صندلی‌های دانشگاه

نوشتاری از **تهمتن برومند** درباره حاشیه‌های درخواست مدال آور المپیک برای تحصیل در رشته پزشکی



### حرکت به سمت مطلوب؟

گزارشی از **منصوره محمدی** درباره رویکرد سیاسی کابینه جدید و گفت‌وگو با محمود واعظی، علی شکوری زاد و رحیم ابوالحسنی



### جنگی که هیچ‌کس از آن نمی‌گوید

بی‌ثباتی در دریای سرخ و خلیج عدن خطر بزرگی برای جهان است

سرمقاله

# فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت شد

## چهارمین زن

نکته هم‌میهن

### مصایب سخن‌گو



مهرداد خدیو  
معاون سردبیر

دولت خاتمی و البته دو فقره اخیر مربوط به حوادث بعد از ۸۸ است. مصایب سخن‌گویی اما محدود به این فقره‌ها و زندانی شدن سه سخن‌گوی مشهور سه دولت در سال‌های ۵۸ و ۸۸ نیست بلکه سخن‌گویان گاه در بیان ملاحظه‌کارانه که از برآیند نظرات دولت فراتر نرود و با بخش‌های دیگر نظام اصطکاک پیدا نکنند دچار مشکل می‌شوند. از جمله می‌توان به موضع صریح عطاءالله مهاجرانی سخن‌گوی دولت اصلاحات بعد از بازداشت غلامحسین کر باسچی شهردار وقت تهران در فروردین ۱۳۷۷ اشاره کرد که گفت: «این عیدی خوبی از جانب قوه قضائیه به دولت نبود». بعدتر برخی گفتند بهتر آن بود بیشتر خوب‌گویی می‌کرد تا موضوع در سطح رئیس جمهوری و رئیس قوه قضائیه دنبال می‌شد. پیش از دولت اصلاحات و در دولت سازندگی، سخن‌گویی دولت با دکتر حسن حبیبی، معاون اول رئیس جمهوری بود اما او نیز پس از چندین بی‌ان که از این مسئولیت رسماً استعفا کند دیگر مصاحبه‌ای ترتیب نداد و احتمالاً حوصله جانش با سوالات خبرنگار روزنامه «سلام» را نداشت. مرحوم حسن حبیبی در دولت شورای انقلاب (نیمه دوم سال ۵۸) هم یک چند سخن‌گوی دولت بود اما آن را نیز به خاطر کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری نیمه‌تمام رها کرد و بعد از ناکامی انتخابات به این عرصه بازنگشت و ترجیح داد به عنوان وزیر آموزش عالی به کار خود ادامه دهد. در آغاز دولت مهندس موسوی در نخستین سال‌های دهه ۶۰ هم سخن‌گویی دولت را مدتی احمد توکلی وزیر جوان و ۳۰ ساله آن روز انجام می‌داد که با اورکت آلمانی از اورکت آمریکایی پوش‌ها متفاوت بود. سخن‌گویی دولت در درون دولت احمدی‌نژاد هم داستان‌های خاص خود را داشت؛ خاصه این که غلامحسین الهام چند شغل و منصب مهم دیگر را نیز در اختیار گرفته بود و جدای آن همسر او - خانم فاطمه رحیمی - دیدگاه‌هایی مطرح می‌کرد که پرسر و صدا می‌شد و هم او بود که به محمود احمدی‌نژاد لقب «معجزه هزاره سوم» داد. **۳**

با انتصاب خانم فاطمه مهاجرانی به سخن‌گویی دولت، شمار زنان کابینه مسعود پزشکیان به چهار نفر رسیده است و شاید هنگام خواندن این متن به ۵ نفر نیز. پیش از او خانم شینا انصاری به معاونت ریاست جمهوری و ریاست سازمان حفاظت محیط زیست منصوب شده بود. با احتساب خانم‌ها فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی و زهرابه‌رورز آذر، معاون امور زنان حالا شمار خانم‌های ارشد عضو دولت به چهار نفر می‌رسد که در نوع خود بی‌سابقه است. این در حالی است که رئیس جمهوری از وزیران خواسته در انتصاب معاونان از خانم‌ها و اقوام استفاده کنند و دایره انتصابات زنان محدود به یک وزیر و دو معاون و یک سخن‌گو نماند. برای اعتماد مجلس شورای اسلامی به وزارت فرزانه صادق، راه برای انتصاب زنان دیگر گشوده شد؛ چرا که بر سر معاونان رئیس جمهوری و مناصب مشابه حساسیت کمتر است تا وزارت؛ چندان که حسن روحانی رئیس جمهوری پیشین نتوانست دومین وزیر زن را به کرسی بنشانند. سخن‌گویی دولت اما از جمله مناصب پرسر و صداست که معمولاً ناتمام می‌ماند چون بعد از یک دوره پرفروغ، سخن‌گویان به محاق می‌روند و امید داریم این تجربه در دولت جدید تکرار نشود. شگفت این که سخن‌گویان سه

دولت جمهوری اسلامی به زندان هم افتاده‌اند و هر یک چند سال و در یک فقره سال‌های طولانی در حبس بوده‌اند و از این حیث پذیرش سخن‌گویی دل‌شیر می‌خواهد! آن سه اینها هستند: عباس امیرانتظام، سخن‌گوی دولت وقت، بهزاد نبوی، سخن‌گوی دولت شهید رجایی و عبدالله رمضان‌زاده، سخن‌گوی

### شام و ناهار هیچی

سخن‌ان آقای پزشکیان در اولین حضور وی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی بسیار مهم است که باید کامل آن را در روزنامه امروز یا سایت‌ها و رسانه‌های دیگر مطالعه کرد. اولین مسئله وی اشاره به نوشتن برنامه‌ها و اسناد فراوان بالادستی و پایین دستی و صدور بخشنامه‌های گوناگون و تخصیص بودجه‌های کلان دولتی فرهنگی و امثال این است بدون آنکه متضمن دستاوردی مثبت باشد. وی صریحاً گفت که «اینکه تحت عنوان فعالیت فرهنگی اعتبار دریافت کنند و فقط کتاب و مقاله بنویسند، قابل قبول نیست، نتیجه باید در تغییر رفتارها و اصلاح وضعیت دیده شود. ما باورها و اعتقاداتی داریم که آنها را قابل افتخار می‌دانیم، اما وقتی به جامعه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که نسل جوان آنگونه که باید با ما هم عقیده نیست؛ کار فرهنگی یعنی اینکه جامعه از عمق جان پذیرد که این باورها افتخارآمیز هستند». این رویکرد واقع‌گرایانه است که می‌بیند جوانان ما در کف جامعه به‌گونه‌ای کاملاً مغایر با ارزش‌های رسمی تربیت شده و رفتار می‌کنند ولی مسئولین در جلسات اداری و عالی مشغول تخصیص بودجه‌های کلان برای امور فرهنگی و تربیتی و رواج ارزش‌های اسلامی هستند! این راه جز اتلاف منابع و آثار منفی نتیجه دیگری ندارد. رئیس جمهور سپس به کیفیت پایین آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها پرداخت و گفت: «امروز در حالی که دانشگاه‌ها در دنیا وارد نسل ۴ و ۵ شده‌اند، ما همچنان در دانشگاه‌های نسل دوم درجا زده‌ایم و در دانشگاه فقط علم آموزی داریم و اگر خیلی خلاقیت به خرج دهیم، به دانشجویان روش تحقیق هم یاد می‌دهیم.»

نکته مثبت آقای پزشکیان این است که این سخن‌ان را به جای بیان در دوره مبارزات انتخاباتی که نامزدها شعار و وعده می‌دهند، آنها را در مصدر ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان کرده است. در واقع مخاطبان اصلی بیان او در این جایگاه، دولت و کارگزاران خودش است. آقای پزشکیان سپس به دو موضوع مهم محتوای آموزش‌های رسمی و میزان تحقق عدالت آموزشی پرداخت و به ضعف نظام تعلیم و تربیت مادر آموزش مهارت‌های اساسی پنج‌گانه: انجام کار تیمی، حل مسئله، برقراری ارتباطات، ساختارسازی و قدرت مدیریت اشاره کرد و تصریح کرد: «علاوه بر این ضعف اساسی ما گرفتار بی‌عدالتی شدید در نظام آموزشی کشور هستیم. کلاس درس برخی مدارس خاص از برخی دانشگاه‌های ما بالاتر است و در بعضی مدارس دیگر معلم هم به تعداد کافی نداریم. این تبعیض و بی‌عدالتی در آموزش باعث شده که بین ما و نسلی که در این سیستم تربیت می‌شود، فاصله بیفتد و همدیگر را درک نکنیم و زبان هم را نفهمیم.» این رویکرد در حوزه فرهنگ و آموزش در کشور مسبق به سابقه نبوده است یا حداقل اینکه جدیتی درباره تحقق آن وجود نداشته است. در ایران برنامه‌های فرهنگی رسمی تبدیل به محملی برای توزیع رانت و اتلاف منابع و با اثرات منفی شده است. کارهای مناسبی و ظاهر بین محور این فعالیت‌ها بوده و به همین دلیل اثرات منفی این سیاست‌ها را در رفتارهای مردم به‌ویژه جوانان می‌بینیم. در حقیقت همه امور صوری و مادی کارهای فرهنگی فراهم است ولی از مخاطبی که جذب شده و اینها را بپذیرد خبری نیست. برنامه‌های فرهنگی دولتی، مصداق شام و ناهار هیچی گردیده است. ناظران اجتماعی بر اساس این سخن‌ان و رویکردها کارنامه آقای پزشکیان را داوری و ارزیابی خواهند کرد.

